

چگونگی آموزش مفاهیم دینی به کودکان

* سیده عاطفه موسوی گورابی

** امید گندمی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۲

چکیده

بنابر اعتقاد بسیاری از علمای تعلیم و تربیت، کودکی یکی از دوره‌های بنیادی در شخصیت افراد است و در زندگی اشخاص، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد. به طوری که اولین مواجهه فکری و عاطفی انسان با خدا، در این مرحله از زندگی او انجام می‌شود. در این مقاله، با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی، همراه با به کارگیری آیات و روایات دین مبین اسلام، به چگونگی انتقال مفاهیم دینی به کودکان پرداخته شده است. همچنین، سن یادگیری کودکان را با توجه به روان‌شناسی اسلامی و رشد تربیتی، بیان می‌شود. هدف از این نوشتار، افزایش آگاهی افراد، به ویژه والدین در به کارگیری مناسب و درست اصول و روش‌های آموزشی در یادگیری مفاهیم دینی به کودکان است. در نتیجه، این مقاله نشان می‌دهد که هرچه از اصول و روش مناسب‌تر و ساده‌تری استفاده شود، کودکان شوق و اشتیاق بیشتری برای یادگیری مفاهیم دینی پیدا خواهند کرد.

کلیدواژه‌ها: آموزش، مفاهیم دینی، کودکان، تعلیم و تربیت

* دانش‌آموخته سطح دو، حوزه علمیه الزهراء (ع)، اهواز

** دانش‌آموخته سطح چهارم: فقه و اصول حوزه علمیه امام خمینی (ع)، اهواز: Omega7333@gmail.com

مقدمه

در رابطه با چگونگی انتقال مفاهیم دینی به کودکان، اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد. گروهی، پیشنهاد کرده‌اند که قبل از بلوغ نباید آموزش دینی را آغاز کرد. گروهی دیگر، عکس این مطلب را اعتقاد دارند. در مجامع روایی ما در این رابطه از امیرالمومنین علیه السلام منقول است که فرمودند: قال امیرالمومنین علیه السلام: «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ»؛ یادگیری و آموزش در کودکی، مانند کندن نقش روی سنگ است (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۱۹).

یکی از اساسی‌ترین اموری که پیامبران به آن می‌پرداختند، تربیت صحیح مردم بود و این امر نزد آنان جایگاه ویژه‌ای داشت. حال باید به این نکته دقت نمود که آموزش مفاهیم دینی، پیش از تولد آغاز و تا پایان عمر ادامه خواهد داشت و دوران کودکی پایه و اساس این یادگیری است. زیرا امروزه دانشمندان به این مطلب واقف شدند که دوران بارداری، حالات و رفتار خانواده و صحبت‌های مادر با جنین تأثیر به‌سزایی در تربیت او دارد.

همچنین، آموزش صحیح و موثر، بدون در نظر گرفتن قدرت درک و فهم کودکان، هیچ تأثیری نخواهد داشت و ممکن است کودکان را از یادگیری فراری دهد. از این رو، آموزش مفاهیم دینی، امری بسیار با ارزش و ستودنی است. اما نتیجه آن بستگی به میزان شناخت اصول و روش‌های آموزشی دارد. همان‌گونه که شناخت خصوصیات و توانایی‌های کودک امری مهم و ضروری است، شناخت اصول و روش‌های مربوط به انتقال مفاهیم دینی به کودکان نیز حائز اهمیت است. اگر انتقال مفاهیم بدون در نظر گرفتن این نکات باشد، مصداق



این حدیث از امام صادق علیه السلام است: «قال ابی عبد الله علیه السلام: العالم علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق لا یزیده سرعه السیر الا بعداً»؛ کسی بدون بصیرت دست به انجام کاری می‌زند، مانند رونده در بیراهی است که هر چه سرعتش بیشتر باشد، از مقصد دورتر خواهد شد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷ ص ۲۴).

این مقاله، با روش توصیفی و تحلیلی و با هدف دستیابی به روش صحیح انتقال مفاهیم دینی به کودکان تدوین یافته است.

مفهوم شناسی

۱. آموزش: در لغت نامه معین به معنای یاددادن، تعلیم و تربیت، بیان شده است (معین، ۱۳۸۸، ذیل واژه). منظور از آن، در این مقاله فعالیتی هدفمند و طراحی شده است که فرصت‌هایی را برای یادگیری آسان فراهم می‌سازد.
۲. مفاهیم دینی: در این مقاله منظور از «مفاهیم دینی»، دین مبین اسلام است که بر سه اصل اصول دین، فروع دین و اخلاق مبتنی است.
۳. کودکان: منظور از «کودکان» در این مقاله، گروه سنی (۷-۱) سال است که تحت تاثیر والدین و مربیان خود قرار می‌گیرند.

ضرورت تربیت الهی

تربیت به معنای ربوبی ساختن انسان است. ربوبی شدن، غایه القصوی سیر کمال انسان و یگانه مقصدی است که عارفان الهی به دنبال او سرگشته و حیران کوی دوست هستند. اگر خشت‌های اولیه و سنگ بنای اولیه تربیت دینی، درست و محکم گذاشته شود، امید است که مسیر کمال و ربوبی شدن انسان



هموار شود.

علامه شهید مطهری در کتاب انسان کامل به دو ملاک برای انسان کامل اشاره دارد: دردمند بودن و رشد تمام ارزش‌ها به طور هماهنگ و در سطح عالی. ایشان در ادامه دردمند بودن را به درد دین و درد خدا متصل می‌کند. بدین صورت که یک انسان کامل، درد خدا دارد که همان معنی ربوبیت است. وی به این معنی می‌رسد که او، ربّ است و من مربوب. تمام تربیت دینی برای رسیدن و باور به این معنای متعالی است (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۳۰).

تربیت، مستغرق در تمام زندگی شخص است و فقط شامل محدوده خاصی از زندگی نیست. پس باید توجه داشت که آموزش و یادگیری مفاهیم دینی در هر سنی، شرایط و مراحل خاص خودش را دارد. بنابراین، اولیاء و مربیان، نباید آموزش کودک را با آموزش بزرگسالان یکی بدانند. در مراکز مساجد در بعضی شهرها، که کار تربیتی عمیق صورت می‌گیرد، همیشه این نکته را متذکر می‌شوند که کار مربی سنین پایین، به مراتب از مربی سنین بالاتر سخت‌تر است.

تربیت به مقدار ظرفیت

یکی از موارد اساسی که می‌توان در تربیت الهی به آن اشاره کرد، هماهنگی تربیت با وسع شخص است؛ به این صورت که مربی به رعایت و در نظر گرفتن تفاوت‌ها و تمایزها و فراز و نشیب‌های مختلف در توانمندی‌ها و تدریجی بودن رشد بشر هدایت می‌کند. از این رو، در حدیث از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: «انا معاشر الانبیاء امرنا ان نكلم الناس علی قدر عقولهم»؛ به ما انبیاء امر شده است که با مردم در حد عقلشان صحبت کنید. (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۶۸).

انسان طی مراحل مختلفی رشد پیدا می‌کند و هر مرحله از رشد او، دارای شرایط خاصی است. شناخت و یادگیری شرایط و استعداد های انسان در هر مرحله از رشد، برای آموزش مفاهیم دینی امری ضروری و حیاتی است.

تربیت الهی در دوران ابتدایی زندگی

سال های ابتدایی زندگی هر شخص، از مراحل بسیار مهم و اساسی به شمار می‌آیند، به طوری که شخصیت و ویژگی های فردی او در این زمان شکل می‌گیرد. شیرینی برقراری صحیح نخستین مواجهه فکری و عاطفی کودک در این دوره، می‌تواند موجب نزدیکی زندگی انسان به خدا در بزرگسالی شود و عکس این اتفاق ممکن است پیش بیاید؛ اگر ارتباط اولیه کودک با پروردگار به درستی انجام نشود، ممکن است موجب دوری انسان از خدا و شقاوت همیشگی زندگی شود. پس بسترسازی و ایجاد آمادگی روحی و روانی در کودک، به منظور ایجاد زمینه استقرار همیشگی نگرش الهی در مراحل دیگر زندگی شخص است. براساس نظریه های امام معصوم علیه السلام و سیره زندگی آنان در می‌یابیم که آشنایی با مفاهیم دینی، از همان ساعت های ابتدایی زندگی نوزاد آغاز می‌شود و آشنایی در دوران کودکی، پایه و بنیان یادگیری در سنین بالاتر است. از سوی دیگر، آموزش صحیح و موثر بدون در نظر گرفتن توانایی ذهنی کودک صحیح نمی‌باشد و ممکن است کودک را نسبت به یادگیری دلزده و دور کند. از این رو، آموزش مفاهیم دینی به کودکان گرچه کاری بسیار مقدس و محترم است، اما موفقیت در آن در گرو، آگاهی و شناخت ویژگی ها و روش های صحیح آموزش است. پس باید ابتدا به بررسی ویژگی های کودکان و سپس به نحوه آموزش آنها پرداخته شود.





ویژگی‌های کودک در سال‌های ابتدایی زندگی

پرداختن به تربیت الهی در دوره کودکی، در گرو داشتن تصویری واقعی از ویژگی‌ها و خصوصیات کودک در این دوره از زندگی اوست. این موضوع هم از طریق آیات و روایاتی به ما رسیده و هم از بررسی‌هایی که توسط دین‌پژوهان و علمای تعلیم و تربیت و سایر پژوهشگران انجام شده است؛ موضوعی که مسیر یادگیری شرایط و خصوصیات کودکان را آسان می‌کند. از جمله این ویژگی‌ها، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. قدرت نداشتن کودکان

خداوند متعال، در قرآن تعریفی از دوران کودکی می‌آورد با واژه «ضعف» همراه است:

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيمُ» (روم: ۵۴)؛ خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید. پس بعد از ناتوانی قدرت بخشید و باز بعد از قوت ضعیف و پیری را قرارداد او هرچه بخواهد می‌آفریند و دانا و توانا است.

ضعیف بودن انسان در دوران کودکی، همگانی است و کودکی نیست که از این حالت خارج باشد، مگر حضرات معصومین که آن هم به خواست خداوند بوده است. این ضعف شامل ضعف جسمی، عقلی و روحی است. و این ضعف



یقینی است. بنابراین، حمایت و فراهم آوردن امنیت و شرایط مناسب برای پرورش روح جسم و عقل کودکان، از امور بسیار مهم به شمار می‌رود که باید توسط پدر و مادر، اطرافیان و خانواده کودک مهیا شود.

۲. فطرت اولیه کودکان

خداوند در قرآن کریم، به وجود فطرت الهی در انسان‌ها اشاره می‌کند:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (همان: ۳۰)؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند!

مراد از این آیه، وجود توحید فطری در انسان‌هاست؛ بدین صورت که علامه طباطبایی این آیه را معنا نموده است: «فطره الله التي فطر الناس عليها»، کلمه «فطرت»، بروزن فعلت به اصطلاح اهل ادب بنای نوع را می‌رساند و در کلمه مورد بحث، به معنای نوعی از خلقت است و «فطره الله»، به نصب خوانده می‌شود؛ چون در مقام واداری شنونده است و چنین معنا می‌دهد که ملازم فطرت باش و بنابراین، در جمله مزبور اشاره است به اینکه این دینی که گفتیم، واجب است برای او اقامه وجه کنی، همان دینی است که خلقت بدان دعوت و فطرت الهی به سوی هدایت می‌کند؛ آن فطرتی که تبدیل پذیر نیست (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۱۶، ص ۲۸۳).

امام صادق علیه السلام، در روایتی این فطرت را توحید به حساب



می آورند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۷۰). همچنین، پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: هر نوزادی بر فطرت متولد می شود و این فطرت همچنان ادامه دارد تا پدر و مادر او را به آیین دیگری آیین یهود و نصرانیت در آورند (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۱). فطرت، در کودک به سبب نزدیکی به زمان دمیده شدن روح الهی در کالبد او و آلوده نبودن او به گناه، از حضور خالص تری سخن می گوید.

۳. میزان شناخت کودکان از خداوند

در سال های اولیه زندگی، کودکان، شناختی از خداوند متعال ندارند. همانطور که در قرآن آمده است: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا» (نحل: ۷۸)؛ خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود، در حالی که هیچ نمی دانستید. این آیه از علوم حصولی، صحبت به میان می آورد و نسبت به علوم حضوری انسان، نگاهی ندارد. در ادامه آیه، روش های کسب علوم حصولی در قرآن آمده است. مانند ادامه آیه که فرمود: «وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»؛ برای شما گوش و چشم و عقل قرار داد.

از ویژگی های دیگر شناخت در سنین کودکی می توان به این نکته اشاره کرد که یادگیری در سنین پایین، بسیار پایدار است و در ضمیر ناخودآگاه شخص باقی خواهد ماند. همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «علم در کودکی مانند حکاکی روی سنگ است» (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۱۹)، که این روایت از نفوذ و تأثیر پذیری آموزه ها در دوران کودکی پرده برمی دارد.



۴. مشخصات عاطفی کودکان

کودکان در سنین کودکی تمایل به داشتن تکیه گاهی محکم و استوار دارند و بسیار علاقه دارند که مورد احترام دیگران قرار بگیرند (رک: نوذری، ۱۳۸۹) و گرایش بسیاری به زیبایی‌ها دارند و توانایی درک زیبایی در آنها بسیار واضح و روشن است. (ازادمنش و دیگران، ۱۳۹۵). این موارد از جمله مشخصات عاطفی مهم کودکان به حساب می‌آیند.

ویژگی‌های ارادی

تضارب میل و اراده و نبود اراده‌ای به هم پیوسته و منسجم در دوره کودکی، موجب می‌شود که در باب کودک نتوان از مبداء ناب اراده او سخن به میان آورد. کودک به طور طبیعی، از افراد پیرامون خود، به خصوص والدین تاثیر مستقیم می‌پذیرد. لذا والدین باید در رفتارهای خود دقت زیادی داشته باشند؛ زیرا هرچه بکارند، همان برداشت کنند؛ نمی‌توان با اخلاق زننده، انتظار داشتن فرزند متخلّق را داشت.

در هفت سال اول زندگی، کودکان، علاقه زیادی به تحرک؛ بازی و فعالیت دارند و این سه مورد از شاخصه‌های اصلی کودکان در سنین ابتدایی است. در روایت‌های بسیاری آمده است که اجازه دهید کودکان در هفت سال ابتدایی به بازی بپردازند. مانند روایت نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که می‌فرمایند: «رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَرَامُهُ الصَّبِيُّ فِي صِغَرِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ»؛ بازیگوشی (و شیطننت) بچه در دوران کودکی، نشانگر فزونی عقل او در بزرگسالی است. (محمدی ری - شهری، ۱۳۸۶، ص ۳۲۲).



همچنین، باید به آزادی کودک در زیرهفت سال توجه ویژه‌ای کرد. چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «... عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: يَرْحَى الصَّبِيُّ سَبْعًا؛ فرزند خود را هفت سال آزاد بگذارد تا بازی کند (طبرسی، ۶۰۰، ج ۱، ص ۲۲۳). آزادی را در اختیار آنان بگذارند تا بتوانند به ویژگی کاشفیت خود پاسخ دهند. با توجه به فقدان وجود تکلیف تربیتی در این سن، جایی برای فشار وارد کردن پدر و مادر و معلمان کودکان وجود ندارد و آموزش‌های دینی نباید به صورت اجباری انجام شود. بلکه باید در قالب تفریحی و سرگرمی برای کودکان باشد تا نتیجه مطلوب دهد. بازی و فعالیت برای کودکان، از جمله حقوق او به شمار می‌آیند و کودک تمام مراحل رشد و نمو و ارتباط خود با دیگران را از طریق بازی انجام می‌دهد.

نگاه کودکان به مفهوم خداوند

کم بودن دامنه تجربی کودکان و محدود بودن دایره لغات کودکان، برای درک مفاهیم و ظرفیت مفهوم‌سازی و ناچیز بودن قدرت انتزاع فکری و عدم توانایی در درک مفاهیم غیرمادی و کلی، سخن از فهم پایین کودکان در زمینه تفکر به پروردگار به میان می‌آورد. اندیشه کودک درباره خدا، مبتنی بر احساس‌ها، ادراک‌ها و مثال‌هایی است که در معرفی خدا به کودک گفته می‌شود. پس با توجه به محدود بودن قدرت درک و فهم کودکان، می‌توان متوجه شد تصوری که آنان از پروردگار دارند، به چگونگی شناخت خداوند به فرزندان بستگی دارد. به عنوان مثال، کودکان مسیحی خداوند را مانند انسان تصور می‌کنند. کودکان مسلمان



خداوند را در ذهن مانند نور می‌پندارند (نوذری، ۱۳۸۹).

کودکان در سنین زیرهفت سال، خداوند را انسان‌گرایانه تصور می‌کنند و در نزد خود خیال می‌کنند که خداوند دست و پا دارد، صحبت می‌کند و به جایی تکیه داده و اعمال ما را مشاهده می‌کند. این نگاه‌ها بسیار مادی‌گرا هستند و اغلب کودکان زیرهفت سال، خداوند را این‌گونه در ذهن خود تصور می‌کنند (باهنر، ۱۳۷۸)؛ زیرا غلبه تفکر مادی و تاثیر شرایط فرهنگی و زمینه‌های مذهبی است که کودک در آن، در حال رشد کردن است. همچنین، نحوه معرفی خداوند توسط اولیاء کودکان در تصور کودک تاثیر بسزایی دارد.

عوامل و اهداف مهم تربیت دینی کودک

تربیت دینی در کودک به دو جنبه اساسی بستگی دارد:

۱. بسترسازی و ایجاد آمادگی روحی و روانی کودک، به منظور ایجاد مبنا، برای بنیان نهادن تربیت دینی در مراحل بعدی؛
 ۲. کنترل عوامل مزاحم و تصحیح نگرش کودک نسبت به خدا؛
- از اهداف مهم تربیت دینی، می‌توان به این موارد اشاره کرد:
- ۱- جلوگیری از بین رفتن قدرت الهی در کودک؛
 - ۲- ایجاد زمینه مناسب برای شکوفا شدن فطرت توحیدی؛
 - ۳- آشنایی ابتدایی با پروردگار از طریق معرفی اسما و صفات خداوند به آنان؛
 - ۴- فراهم کردن زمینه‌ای برای تفکر کودکان به پروردگار؛
 - ۵- ایجاد حس کنجکاوی در کودکان؛



۶- شکل دادن محبت اولیه نسبت به خداوند و درک خداوند به عنوان وجودی مهربان و دوست داشتنی (اقاتهرانی، بی تا، ج ۳، ص ۴۲).
 با مشخص شدن اهداف تربیت الهی و توحیدی در کودکان، می توان به استنتاج اصول تربیت توحیدی در این دوره سنی پرداخت که متناسب با ابعاد سه گانه تربیت دینی و در سه بعد شناختی، عاطفی و عملی است.

ابعاد تربیت دینی از نظر اسلام

در تربیت، به صورت عام و یا خاص، باید به رشد همه جانبه و متوازن شخصیت متربی در همه ابعاد توجه شود. نگرش محدود و یک بعدی در این تربیت، نمی تواند شخص را به هدف نهایی رساند و از آنجا که در مکتب مقدس اسلام، خلقت انسان بر عالی ترین موازین شکوفایی فطرت مبتنی است، به بررسی ابعاد سه گانه تربیت دینی از نظر اسلام می پردازیم:

الف. تربیت در بعد شناخت

کودکان خود به صورت الهی با میلی ربوبی آفریده شده اند و وظیفه اصلی اولیاء و مربیان تعلیم و تربیت، بارور نمودن و شکوفا کردن این فطرت الهی است. شناختی که در این مرحله از زندگانی کودک در وجود او ماندگار می شود، شناخت اجمالی و مقدماتی و معطوف به گزاره هایی مانند وجود خدا، خالق همه چیز خدا است، و از برای آشنا کردن کودک با خدا و یگانگی او می باشد.

۱. آموزش توحید به کودک

آشنا نمودن کودک با خداوند از همان بدو تولد، با گفتن اذان و اقامه در گوش



های کودک شروع می‌شود. اما به صورت ویژه، آشنایی او با خداوند یگانه، در سن سه سالگی آغاز می‌شود و آن گفتن کلمه «لا اله الا الله» است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ فَقُلْ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ يَشْرِكُ حَتَّى يَبْلُغَ ثَلَاثَ سِنِينَ وَسَبْعَةَ أَشْهُرٍ وَعِشْرِينَ يَوْمًا...»؛ وقتی کودک به سه سالگی رسید، از او بخواهید که هفت بار لا اله الا الله بگوید: سپس او را به حال خود وا بگذارید (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۸۱ ح ۸۶۳؛ همو، ۱۴۰۹، ص ۴۷۵ ح ۶۴۰).

کودکان را باید با این ذکر آشنا کرد و مفهوم یگانه بودن خداوند را برای آنها توضیح داد و باید توجه ویژه‌ای به آن داده شود. این ذکر در فطرت پاک و معصومانه فرزندان اثر دارد، گرچه برخی از آثار معنوی و تربیتی این کار ناپیداست، اما اثر خود را در روح انسان می‌گذارند.

۲. معرفی اسماء و صفات خداوند به کودکان

هنگامی که بحث خداشناسی به میان می‌آید، افراد، بیشتر به فکراتیات خداوند برای کودکان می‌افتند، در صورتی که باید یادآور شد کودکان با سرشتی خداشناس و خداگرایانه، پا به جهان هستی می‌گذارند و نیازی به اثبات وجود خداوند برای کودکان نیست و کودکان فطرتاً با خداوند آشنایی دارند. همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «عن النبی صلی الله علیه و آله من قوله: «كَلَّ مَوْلُودٌ يُولَدُ عَلَيَّ الْفِطْرَةَ حَتَّى يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودَانَهُ أَوْ نَصْرَانَهُ أَوْ مَجْسَانَهُ»؛ هر فرزندی بر فطرت، متولد می‌شود تا اینکه پدر و مادرش او را یهودی یا مسیحی یا مجوسی می‌کنند (علم الهدی، بی تا، ج ۲، ص ۸۲).

بنا بر نظر محققان حوزه تربیت کودک، تفکر انتزاعی هنوز در کودکی شکل



نگرفته است، پس از هرگونه تلاش بر اثبات خداوند برای کودکان بی فایده است و ممکن است نتیجه عکس بدهد. در دوران کودکی، باید با ذوق و سلیقه و با توجه به میزان درک کودکان صفات خداوند را به او یاد داد و کودک را با برخی صفات خداوند از قبیل مهربانی خداوند، بخشندگی او و غیره آشنا کرد. می توان این شناخت را در قالب شعر و داستان و بازی به کار برد.

۳. جهت دادن به افکار کودکان در رابطه با خداوند

همانگونه که بیان شد، کودکان در ذهن خود تصویری انسان انگارانه از خداوند ساخته اند. لذا باید به تدریج این تصورات از ذهن او پاک شود، اما نباید از مفاهیمی که کودک هنوز قدرت درک آنها را ندارد، استفاده کرد (<https://www.eghtesadonline.com>)

ذهن کودکان در این مرحله از زندگی، ویژگی های مشهود بودن و ملموس بودن پدیده ها برای شناسایی استفاده می کنند و نمی تواند درک درستی از مفاهیم خارج از دید خودش داشته باشد و والدین و مربیان نباید رفتاری عجولانه و خارج از حوصله، و قهری از خودشان نشان دهند. بلکه باید با طبیعی نشان دادن این تفکر کودک از خداوند، حس کنجکاوی را در بیشتر فعال کنند. مثلاً، در پاسخ دادن به سوال خدا دست دارد، یا پا دارد، باید با بازی کاملاً کودکانه و با الفاظی بسیار ساده بیان کرد که خداوند مثل پدر و مادر شما دست و پا ندارد و مانند شما که ما آن را حس می کنیم، ولی خود شما را نمی بینیم، خداوند نیز پیش ما است، ولی ما نمی توانیم او را ببینیم و پاک کردن تصورات کودکانه در سنین بالاتر نیز باید مورد توجه قرار گرفت، به خصوص آنکه آنان را به تجارب شان در جهت برداشتی صحیح تر می توان سوق داد.

۴. ارائه ندادن توضیحات گمراه کننده

یکی از اشتباهات متداولی که در تربیت کودکان انجام می‌شود، ارائه اطلاعات ناقص و گمراه کننده به کودکان توسط مربیان و والدین آنهاست. با این تفکر که خود بزرگ می‌شوند و پاسخ اصلی سوال خود را می‌آموزند و دلیل این کار خود را درک پایین و سطح فهم کودکان تلقی می‌کنند. در صورتی که این عمل می‌تواند نتیجه عکس و مخربی در ذهن کودکان ایجاد کرده، تصورات او را در مورد خداوند تغییر دهد.

گاهی پاسخ ساده و کوتاه می‌تواند نیاز کودکان را برطرف کند تا اینکه به رشد بیشتر و مرحله بالاتری برسد و برای او توضیح داده شود. برای توضیحات دقیق‌تر و عمیق‌تر آنچه حائز اهمیت است اینکه پاسخ‌های ارائه شده به کودکان نباید نادرست و گمراه کننده و حتی غلط باشد. در این صورت، اگر پایه و اساس کودک به نادرستی شکل گرفت، دیگر نمی‌تواند مطالب دقیق‌تری به او آموزش داد.

ب) تربیت در بعد عاطفی

یکی از شاخص‌های اساسی در تربیت کودکان، تربیت به شیوه گرایشی است که تاثیر بسزایی در روح انسان دارد و بسترساز گرایش و میل انسان در مسیر سیر الهی است. پرورش عاطفی و مسائل پیچیده این بُعد وجود انسان، همواره مورد توجه کامل و دقیق قرار گرفته است و راهنمایی‌های ویژه‌ای در این امر شده است (رحیمیان، ۱۳۸۰). در پرورش و تربیت گرایش‌های انسان، باید به ضرورت رعایت تقدم و تاخیر بیان مسئله‌ها توجه کرد؛ چرا که بی‌توجهی به این اصل اساسی، ممکن است شخص را از چشیدن طعم محبت پروردگار دور کند.





همان‌گونه که بیان شد، کودکان عینی هستند و تنها قادر به تصور امور ملموس هستند. پس برای ایجاد رابطه محبت‌آمیز با خداوند، باید از دریچه عینی کودکان به پیش رفت. مثلاً، برای درک کودکان از محبت خداوند، می‌توان از شخصی که در ذهن کودک بسیار مهربان است، سخن به میان آورد و بیان کرد که مهربانی خداوند از فلان شخص هم بیشتر است و او بسیار بیشتر کودکان را دوست دارد.

ج) تربیت در بعد عملی

کودکان در این برهه زندگی، از داشتن تکلیف دینی و تربیتی الزامی، فراری هستند و به دلیل حس خود برتری، نمی‌خواهند به دستورات دیگران گوش دهند. بنابراین، آنچه قرار است به کودکان آموزش داده شود، باید در قالب بازی صورت گیرد. از این رو، زمینه‌سازی برای شکل‌گیری مناسب مواجهه کودک با خداوند، از مهم‌ترین اموری است که اولیا و مربیان می‌توانند برای کودکان انجام دهند. آشناسدن کودک با خداوند باید همراه با خاطره‌های بسیار شیرین باشد و از اجبار و تکلیف دور باشد (www.yjc.news/fa/news)

تربیت از طریق بازی‌های مناسب، سرودها، شعرهایی با مضامین کودکانه درباره خداوند، از غنی‌ترین بازی‌های کودکانه است. این بازی، باید با دقت عمل و ذکاوت بالای والدین و مربیان انجام شود تا شیرینی آن در کام کودک باقی بماند و خودش درخواست تکرار بازی را بکند.

عادت کردن کودکان به ویژگی‌های مثبت و تایید شده، مانند بردن نام خدا پیش از خوردن غذا یا یاد کردن خداوند در همه شرایط و احوالات، می‌تواند بستر مناسبی برای ایجاد رابطه‌ای دل‌انگیز میان خداوند و کودکان باشد. شگفتی



کودک در برابر پدیده‌های طبیعی، مانند: آسمان و خورشید، ماه و ستارگان، آب و هوا و دریا و کوه‌ها، می‌تواند فرصتی مناسب برای آغاز یک گفتگوی تربیتی و دینی شود؛ زیرا صحبت کردن در مورد این عجایب، شوق فراوانی را در کودک ایجاد می‌کند و زمینه مناسبی برای معرفی خداوند به کودکان می‌باشد. تشویق کودک، هنگام تقلید از نماز و عبادات والدین نیز می‌تواند موجب ایجاد ارتباط کودک با پروردگار شود. همچنین، حضور او در مراسم معنوی می‌تواند تاثیر شگرفی در روح او بگذارد.

سن آموزش در کودکان

در سیره معصومان علیهم‌السلام، مراحل رشد اشخاص را به سه دوره مختلف؛ یک تا هفت سال و هفت تا چهارده سال و چهارده تا بیست و یک سال تقسیم و برای هر دوره، شرایط خاصی را بیان کرده‌اند. همچنین، در روایتی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «قَالَ وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْوَلَدُ سَيِّدُ سَبْعِ سِنِينَ وَعَبْدُ سَبْعِ سِنِينَ وَوَزِيرُ سَبْعِ سِنِينَ»؛ فرزند در هفت سال اول سید و هفت سال بعدی عبد و هفت سال سوم وزیر است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۷۶).

مفهوم روایت این است که کودک در هفت سال اول «آقا» است و سروری می‌کند و باید بیشتر اوقات خود را به بازی و شادی بگذراند و در هفت سال دوم؛ یعنی از سن هفت تا چهارده سالگی، در دوره اطاعت پذیری و آموزش به سرببرد و دوره چهارده تا بیست و یک سالگی، دوره وزیر بودن و مشورت گرفتن از اوست. به عنوان مثال، حضرت امام مجتبی علیه‌السلام، در پنج سالگی هر روز به مسجد می‌رفت و از کلمات و مواعظی که پیغمبر اکرم در مسجد بیان می‌فرمود، همه آنچه را



به ذهن مبارک خود می‌سپرد، به خانه می‌آمد (و به اقتضای ادای حق علم که نشر است)، برای مادر بزرگوار خود حرف به حرف بیان می‌کرد. زمانی امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خانه تشریف می‌آورد، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام آنها را برای آن جناب بازگو می‌کرد. روزی حضرت علی علیه السلام پرسید: ای فاطمه، توبه مسجد حاضر نبودی از کجا این کلمات را فهمیدی؟ فرمودند: فرزندم حسن هر روز آنچه پدر بزرگوارم بر منبر می‌گوید، بی‌کم و کاست به همان ترتیب برایم بیان می‌کند.

اصول آموزش در تربیت کودک

مراد از اصول آموزشی مفاهیم دینی به کودکان، فنون و شیوه‌ها و دستورالعمل‌هایی است که به وسیله آن، مفاهیم دینی را می‌توان به کودکان یاد داد. به عبارت دیگر مهم‌ترین و دشوارترین مرحله از آموزش، تعیین و تشخیص به موقع و صحیح از آنهاست. با توجه به ویژگی‌های شناختی، عاطفی و عملی کودکان، به بررسی این موارد می‌پردازیم:

۱. آسان بودن مطالب

منظور از آسان بودن مطالب، این است که در آموزش مفاهیم دینی به کودکان، باید توان درک و فهم آنها را مورد توجه قرار داد و توان انگیزشی کودک را در نظر گرفت. نباید سخت‌گیری کرد و برانگیختن شوق و رغبت کودکان به یادگیری آموزه‌های دینی، بسیار حائز اهمیت است و نباید هدف تنها انتقال مفاهیم دینی باشد. به همین دلیل، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «آموزش دهید و آسان بگیرید و سخت‌گیری نکنید؛ چرا که خداوند مرا سخت‌گیر و سرسخت مبعوث نفرمود،



بلکه مرا آموزگاری آسان‌گیر مبعوث نموده است» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۶، ح ۱۳۱۱).

همچنین شهید مطهری چنین نقل کرده‌اند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، آنگاه که معاذ ابن جبل را برای تبلیغ دین به یمن فرستاد، به او چنین فرمود: «شما که می‌روی برای تبلیغ اسلام، اساس کارت تبشیر و مژده و ترقی باشد، کاری انجام بده که مردم مزایای اسلام را درک کنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۱۸۱، ۱۸۲).

این روایت، دلالت بر این دارد که رعایت اصل آسان‌گیری در آموزش مفاهیم دینی به کودکان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا مفاهیم دینی، اموری هستند که با فطرت کودکان سرو کار دارند و نیازی به تحمیل کردن این آموزش‌ها به کودکان نیست. سخت‌گیری زمانی باید به میدان بیاید که آموزه‌هایی خلاف فطرت کودکان برای او ترسیم شده باشد و برای او تکرار شده باشد و او نیز آنها را بپذیرد و بخواهد به آنها عمل کند. در این حالت، باید انجام دادن این امور کودکان مخالفت کنیم.

مفاهیم و آموزه‌های دینی را باید به ساده‌ترین شکل ممکن بیان کرد و زمینه‌های درونی و انگیزشی لازم را مهیا کرده و بیشتر علاقه‌مندی به مفاهیم دینی را در کودک فراهم کرد. باید به این نکته اساسی توجه کرد که خشونت و سخت‌گیری در امر آموزش مفاهیم دینی، کودک را نسبت به اصل دین و تعالیم حیات بخش آن را فراری می‌دهد، از آن زده می‌شود و آثار و پیامدهای ناگواری در روحیه لطیف کودکانه او باقی می‌گذارد. رعایت این اصل در آموزش مفاهیم دینی به کودکان، چنان مهم است که پیشوایان دینی ما در سخنان نورانی خویش والدین را به آن



سفارش کرده‌اند. در روایتی امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: رحم الله من اعان ولده علی برّه. قال: قلت: کیف یعینه علی برّه؟ قال: یقبل میسوره و یتجاوز عن معسوره و لا یرهقه و لا یخرق به؛ رحمت خدا بر کسی که فرزندش را بر نیکی یاری دهد. سوال نمودند که چگونه او را یاری بر نیکی دهیم؟ حضرت فرمودند: والدین کاری را که انجام آن برای کودک آسان و ساده است و از دستش بر می‌آید، قبول کنند و آنچه را که انجامش بروی سنگین و غیر قابل تحمل است، در گذرد. بر او ستم نکنند و با او بداخلاقی ننمایند که در این صورت، بین او و فرزندش جز عاق شدن یا قطع رحم کردن فاصله‌ای نخواهد بود. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۸۱).

۲. تدریجی بودن مطالب

انسان از زمان تولد، تا سنین بزرگسالی توانایی‌های جسمی، ذهنی و عاطفی متفاوتی دارد و هر دوره در زندگی او شرایط و خصوصیات خاص خودش را دارد. همانطور که قرآن کریم، در طول بیست و سه سال بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد. خداوند نیز در آیه ۱۰۶ سوره اسرا به این نکته اشاره می‌کند: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»؛ و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم.

قرآن کریم با توجه به سطح درک و فهم مردم، به مرور احکام اسلامی را بیان کرد. به گونه‌ای که مردم از فشار در درک و فهم آن فراری و زده نشوند. پس از آموزش مفاهیم دینی به کودکان، باید به صورت تدریجی صورت گیرد و فرزندان را به



صورت تدریجی با مفاهیم آشنا ساخت. دانشمندان تربیت کودک نیز به این نکته ویژه اشاره کرده‌اند؛ در دوران کودکی آموختن مفاهیم و معارف، رعایت اصل تدریج را می‌طلبد و نباید از آن غفلت کرد. در دین مبین اسلام، آموزش یک فرآیند مداوم و همیشگی است و مسلمانان در تمام سنین می‌توانند آموزش ببینند. کسب علم زمان خاصی نمی‌شناسند و تحصیل از نظر اسلام، محدود به سن و زمان نیست. در دین آمده است که آموزش مفاهیم دینی امری است که تا پایان عمر باید ادامه پیدا کند، ولی دوران کودکی و نوجوانی را می‌توان، دوران ایجاد زمینه و پیگیری آموزه‌های دینی به حساب آورد و باید این نکته مورد توجه ویژه والدین و مربیان قرار گیرد.

۳. تفاوت افراد با یکدیگر

در علم روان‌شناسی، این نظریه پذیرفته شده است که هر فرد با فرد دیگر تفاوت دارد (www.asriran.com) و این نکته در کتب تعلیم و تربیت و معارف دینی مورد قبول واقع شده است که همه انسان‌ها با یکدیگر شباهت‌هایی دارند ولی آنها از نظر ویژگی‌های شناختی، عاطفی و بهره‌هوشی و غیره، با یکدیگر متفاوتند. همین امر موجب می‌شود که هر انسان، موجود مستقل و فردی خاص و تام باشد.

یکی از عمده‌ترین مسائل روان‌شناسی، مسئله تفاوت‌های افراد با یکدیگر است. برخی روان‌شناسان چنین آورده‌اند: روان‌شناسی غیر از تفاوت‌های فردی موضوع دیگری برای بحث ندارد. در نتیجه رعایت تفاوت‌های فردی در مبحث آموزش مفاهیم دینی به کودکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و والدین و



مربیان باید از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار باشند و به صورت یکنواخت با فرزندان و کودکان رفتار نکنند، بلکه با ویژگی‌های شناختی، عاطفی، انگیزشی، سوابق خانوادگی افراد در حال پرورش، باید مورد توجه قرار دهند. برای مثال، معلمان باید بدانند برخی از کودکان، آموزش مفاهیم دینی را در قالب شعر و داستان درک می‌کنند و برخی، با پاسخ و پرسش و برخی دیگر، نیاز به توضیح دوباره و تکرار دارند.

۴. تکرار و استمرار

در دین مبین اسلام آموزش، امری، مستمر است که همه مسلمانان باید در محیطی آموزشی قرار بگیرند.

چنین گفت پیغمبر راستگوی ز گهواره تا گور، دانش بجوی

امام کاظم علیه السلام در روایتی از امام علی علیه السلام، یکی از اوصاف مؤمنان را چنین بیان می‌فرماید: «لَا يَشْبَعُ مِنَ الْعِلْمِ دَهْرُهُ»؛ در تمام زندگی خود از آموختن دانش سیر نمی‌شود (حر عامل، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۲۷). کسب علم امری دائمی به حساب می‌آید و تحصیل و کسب دانش، زمان و سن مشخصی ندارد، به طوری که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعُمَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ فِي كُلِّ حَالٍ»؛ کسب علم در هر حالتی واجب است (همان). حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرمایند: «لَا يَحْرُزُ الْعِلْمَ إِلَّا مَنْ يَطِيلُ دَرَسَهُ»؛ بردانش و معرفت دست نیابد مگر کسی که در تحصیل خویش مداومت کند (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۴۰)؛ زیرا که به فرموده آن حضرت دانش و معرفت پایان نمی‌پذیرد.

نتیجه گیری

تعلیم و تربیت صحیح باید بتواند انسان را در راه معرفت و محبت خداوند یاری کند تا با انجام عمل صالح، بتوانند به خدای هستی بخش و مطلق تقرب پیدا کند. دوران کودکی، یکی از مهم ترین مراحل زندگی فرد به حساب می آید و بسیاری از خصوصیات و ویژگی های شخصیتی انسان ها در این دوره شکل می گیرد. از این رو، روشن است که بسترسازی برای شکل گیری مناسب این شناخت و ارتباط اولیه کودک با پروردگار، به صورت ویژه، حائز اهمیت است. برای اینکه بستر مناسبی برای کودکان فراهم شود، والدین و مربیان باید روش و اصول انتقال مفاهیم دینی به کودکان را بیاموزند. هرچه اطلاعات افراد در مورد انتقال مفاهیم بیشتر باشد، به همان میزان کودکان آمادگی بیشتری کسب می کنند و می توانند به سهولت مفاهیم را یاد بگیرند و این یادگیری عمیق تر، پایدارتر و ماندگارتر خواهد بود و زمینه مناسبی را برای آموزش های زمین بالاتر ایجاد می کند.





منابع

- ۱- آزادمنش، سعید، تبیین اهداف وملاحظات تربیت اخلاقی کودک با نظریه مفهوم، بی نا، تهران ۱۳۹۵
- ۲- آقانهانی، مجتبی، تربیت فرزند، مصباح الهدی، قم، بی تا
- ۳- باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، سازمان تبلیغات، قم، ۱۳۷۸
- ۴- حرعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة، محقق / مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ ه ق
- ۵- رحیمیان، محمد حسن و رهبر، محمدتقی، آیین تزکیه، بوستان کتاب، قم، بی تا
- ۶- طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان، بی نا، قم، ۱۳۸۰
- ۷- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، شریف رضی، قم، ۶۰۰ ق
- ۸- علم الهدی، سیدمرتضی، امالی، بی نا، قم، بی تا
- ۹- صدوق قمی، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، چ دوم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ه ق
- ۱۰- _____، امالی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۹ ه ق
- ۱۱- کراچکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، محقق / مصحح: عبدالله نعمه، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۰ ه ق
- ۱۲- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (دارالحدیث)، محقق: محمد حسین درایتی، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۸۷
- ۱۳- لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۶
- ۱۴- محمدی ری شهری، محمد، العلم والحکمه فی الکتاب والسنه، دارالحدیث،

قم، ۱۳۷۶

- ۱۵- _____، منتخب میزان الحکمه، بی نا، قم، ۱۳۸۶
- ۱۶- مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، صدرا، قم، ۱۳۷۰
- ۱۷- _____، انسان کامل، صدرا، قم، ۱۳۷۸
- ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۸۹
- ۱۹- نوذری، محمود، بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی نوجوانی و آغاز جوانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۸
- 20- <https://www.eghtesadonline.com>
- 21- www.yjc.news/fa/news
- 22- www.asriran.com

